



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

طناب برگردن ایران است :



یادداشت امروز جهت دیگری داشت، اما به یکباره خود را در برابر ده اکتبر، «روز جهانی مبارزه برای لغو مجازات اعدام» دیدم. در ایران روزی نیست که طناب دار بر بالای گردنی سنگینی نکند. خاصه امروز که پای اعدام به خیابان ها باز شده است. در ایران حاکمیت اسلامی اعدام قتل عمد دولتی است و جامعه پر تحول ما به لحاظ بار خبری، یکایک ما همواره خبر اعدام ها را در برابر بانک خبری روزمره مان با خود نداشته باشیم!

آنروز که نوید افکاری کشتی گیر و کارگر گچ کارمان، طی پیامی گفت: «اینان برای طناب های دارشان؛ دنبال یک گردن می گردند.» جامعه مان نتوانست فراتر از هشتگ چند میلیونی، خشم، واکنش و اعتراض همگانی توده ای از خود را به صحنه خیابان ها بکشانند. هر چند شمار زیادی از طرفداران حکومت هم از حکم اجرا شده دفاع می کردند و جبران جان «حسن ترکمان»، کارمند حراست سازمان آب، که در شهر شیراز کشته شده بود، آن را "قصاص نفس" می دانستند و به داوری پیام نوید افکاری و وکلای خانواده، آن گشته، هیچ ارتباطی به یل به دار آویخته ما نوید، نداشت. در برابر این ادعای دستگاه قضایی، مادر نوید در قبال دار زدن فرزند و زندانی بودن دو پسر دیگرش تنها "خواستار برگزاری یک دادگاه عادلانه در مقابل مردم" بود.



برای ما نسل انقلاب ۵۷، که دهه خونبارکشتار شصت را پشت سر نهاده ایم، امکان بهره گیری از دستاورد شبکه های مجازی، راه انداختن کارزارها و توفان های توییتری؛ در دسترس نبود و جایی در کارزارهای آن هنگام ما نداشت. نسل را در خاموشی مطلقی بر دار زدند و گرما گرم در گورهای جمعی جا دادند و ساکی بر کف دستان مادران و پدران شان نهادند و گریان راهی خانه شان کردند، عبارتی مردم مخالف اعدام در دهه خونبار شصت در جریان اعدام هزاران هزار زندانی سیاسی، امر اطلاع رسانی و نیز افشاگری پیرامون آن جنایات به دشواری صورت میگرفت و بسیار کم دامنه بود.

امروز این نظام با واقعیت پیچیده دیگری روبروست و آن رویکرد به جانب کارزارها و کمپین های وسیع بین المللی و هنگامه توفان های توییتری! در سراسر ایران و جهان امانش را بریده است. اکنون به مدد شبکه های اجتماعی، هر جنایت رژیم به سرعت زیر ذره بین و نورافکن قرار میگیرد و بازتاب جهانی می یابد و این برهاس رژیم می افزاید. این رژیم اما معتقد است فقط از طریق ادامه جنایات در خیابانها و زندانها است که میتواند حاکمیتش را حفظ کند و از عروج خیزشهای مردمی همچون دیماه ۹۶، مرداد ۹۷ و آبان و دی ۹۸ و شهریور و مهر ۱۴۰۱ جلوگیری کند. اما اگر اعدام دهها هزار زندانی سیاسی در طول دهه شصت، توانست از پیوستن میلیونها زن و مرد و جوان به صف مبارزه برای آزادی و دادگری اجتماعی جلوگیری کند، امروز صحنه رودرویی ها فرا مرزی را سرباز ایستادن نیست. امروز مغاکی در برابر این رژیم جهل - جنون - جنایت، دهان باز کرده و میرود طومار و بنیاد این دیو خویان و مومیان از گور برآمده را به ژرفای تاریخ بسپرد!

آنچه در نمای جغرافیای ایران در برابر دیدگان جهانیان رخ می گشاید، صحنه آوردگاه جوانان دختر و پسر و تمامیت جامعه ما بعد از قتل حکومتی مهسا امینی از شهری به شهری و از استانی به استانی در نوردید و امروز درست در هنگامه روز جهانی نفی اعدام، طبقه ما با شعار «مرگ بر دیکتاتور» پای به عرصه رویارویی و پیوستگی به مبارزات سرباز کرده ی غلیان و آتشفشان خشم فشرده شهروندان این سرزمین بلا زده، با کل حاکمیت اسلامی، نهاد!

باید به هوش بود که در برابر پیشروی مردم، نظام زندان - شکنجه - اعدام، همه قوای سرکوب اهریمی اش را به میدان رویارویی با فرزندان این آب و خاک نیاورده است. این مبارزه را باید با هشیاری، سازماندهی خود محور محله های شهری و تقویت ارتباطات آنان با اعتصابات سراسری با شیوه های نوتر و تازه ترو غیر قابل پیش بینی برای نظام سرکوب تجهیز کرد. این نوآوری ها از دل آن مبارزات به صحنه خیابانی رخ می گشاید و بر در ماندگی رژیم بیش از پیش می افزاید و قوای سرکوب را ناکارآمد تر خواهد کرد. این نمونه ابتکارات محله محور و ارتباطات شبکه ای آن را پیش از این دیده ایم و در آینده ای نه چندان دور شاهد شکوفا شدن آن خواهیم بود. شک نکنیم که این نظام با قدرت سازمانیافته و متشکل و لایزال شما رفتنی است. آن روز دیر نیست ایدون باد!

دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۱۰ اکتبر ۲۰۲۲